

منبع و تاریخ نشر : انفا رمیشن کلیرنگ هوز «202-09-13» .  
برگردان : پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

نویسنده : لیورنت گوانیوت «Laurent Guyenot» .

-----[99]-----

## یازدهم سپتا مبر یک کار اسرائیلی بود

*was an Israeli job 9/11*

### قسمت دوم

#### شبکه جاسوسی اسرائیل:

این پنج اسرائیلی معروف رقصنده ؛ تنها مظنونانی که در همان روز حملات (11) سپتامبر دستگیر شدند ؛ قط نوک ویا قله ای از کوه یخی بودند .  
پلیس فدرال در ماه سپتا مبر سال (2001) مشغول برچیدن بزرگترین شبکه جاسوسی اسرائیل بود که برای بار اول در خاک امریکا از آن سرپوش برداشته میشود؛ در تابستان همان سال قبل از حمله بر برج های دوگانه نمایندگی یا اداره مبارزه با مواد مخدره امریکا (DEA) گزارشی را تهیه کرد که این گزارش توسط واشنگتن پست در (23) ماه نومبر سال (2001) برای عموم افشا شد و به دنبال آن اسناد مستند چهار قسمتی کارل کامرون (Carl Cameron) بتاريخ یازدهم ماه دسامبر سال (2002) از باکس نیوز نشر شد . و در «14» ماه مارچ سال (2002) مقاله ای در روزنامه لوموند فرانسوی با امضای سیلویین سیپال (Sylvain Cypel) به این گزارش اشاره داشت . اندکی قبل از آنکه مجله فرانسوی بنام ( intelligence online) آنرا بطور کامل در اینترنت بدسترس عموم مردم قرار دهد [5]

در گزارش آمده است که (140) جاسوس اسرائیلی بین (20) تا (30) سال از مارچ (2001) دستگیر شده اند در حالی که (60) نفر دیگر پس از (11) سپتامبر دستگیر شده اند. آنها بعنوان دانشجویان هنر؛ حد اقل (36) سایت حساس و درخور اهمیت وزارت دفاع را بازدید میکنند و از اکثر کسانی که در مورد آنها سوال شده است؛ اظهار داشته اند که آنها در بدست آوردن اطلاعات نظامی؛ رهگیری سگنال های الکترونیکی با واحدهای منفجره انفجاری در ارتباط بوده و در این بخش خدمت کرده اند و برخی از آنها با مقامات عالی رتبه ارتش اسرائیل مرتبط بوده اند؛ یکی از این جاسوسان پسر یک جنرال دوستاره ای بود؛ یکی هم بعنوان محافظ یا بادی گارد ریس ارتش اسرائیل و دیگری در یک واحد ماموریت پاترویت (میهن پرستی) خدمت میکرد و یکی دیگری از آنها بنام پیر سگالوتس (Peer Segalovitz) افسر جزتام (605) در بلندی های جولان بود و تصدیق کرد که او اگر بخواهد میتواند ساختمان ها؛ پل ها؛ اتومبیل ها و هر چیزی دیگر را منفجر کند [6]

آنچه که از اهمیت خاصی برخوردار است، ذکر این نکته است. چنین به نظر میرسد که منطقه هالیود؛ فلوریدا یک نقطه مرکزی برای این افراد باشد [7] و این شهر همچنین جایی ویا مکانی است که از جمله «19» نفر هوآپیمان ربایان «15» تن آنها در یازدهم ماه سپتامبر مجدداً در اینجا گردهم آمدند و بیش از «30» نفر از جمله (140) نفر دانشجویی که خود را بگونه جعلی دانشجویان اسرائیلی وانمود ساخته بودند آنها که قبل از رخداد (11) سپتامبر شناسایی شده بودند در آن شهر (140000) نفری زندگی میکردند و این شهر همچنی نجایی است که (15) نفر از جمله (19) نفر هوآپیمان اسلامگرایان افراطی بودند که مجدداً در این شهر گردهم آمده بودند («9» نفر در هالیود «6» نفر در مجاورت) و از جمله «4» نفر از پنج موردی که پرواز (AA11) را ربوده بودند؛ رابطه این جاسوسان اسرائیلی با تروریستهای اسلامی چگونه بود؟ اخبار اصلی و عمده بما چنین وانمود کرد که مورد اول، مورد دوم را ترصد میکرد؛ اما در گزارش فعالیت های مشکوک این تروریست ها به مقامات امرکایی آنگونه که بود اطلاع نداده اند ویا بگونه غیرموفقانه و جعلی اخبار میشد. البته که اسرائیل در ظاهر از این چنین معلومات در واقعیت امر

میرا قرار می‌گیرد و نمیتوان یک‌سازمان جاسوسی را به دلیل عدم اشتراک و نداشتن اطلاعات موثق مسؤل پنداشت و یا کشور مربوط به آن سازمان را سرزنش کرد؛ در بدترین حالت و یا شرایط؛ میتوان اسراییل را به نسبت وقوع این رخداد متهم کرد و آن‌ها را نداشتن تضمین امنیتی و آن اینکه نه تنها که جاسوسان اسراییلی هواپیما ربایان را ترصد میکردند بلکه قبل از بین رفتن عاملان سقوط برج‌های دوگانه آنهارا کمک مالی نیز میکردند ما میدانیم هانان **سرپاتی** اسراییلی در نزدیکی محمد عطا دواپا رتمان را کرایه کرده بود

و در طی سه ماه در حدود (100000) دلار را بکار برده و یا مصرف کرده بود و اقف شدیم؛ ما نیز در نهم ماه فبروری سال (2009) از نیویارک تایمز فهمیدیم که علی‌ال‌جراح (بیست و پنج ساله پسر عمومی علی‌ال‌جراح بنام (said Al Jarah) که بر او ادعا شده که پرواز (UA93) را ربوده او کسی است که بعنوان عامل مخفی در سازمان مقاومت فلسطین و حزب الله برای «موساد» اسراییل جاسوسی میکرد.

ظاهراً مأموران اسراییلی از فعالیت در زیر پوشش هنرمندان قدردانی می‌کنند. اندکی قبل از 11 سپتامبر، گروهی از چهار رده "هنرمند" یهودی با نام ژلاتین خود را در طبقه نود و یکم برج شمالی مرکز تجارت جهانی نصب کردند. یا خود را رسانند در آنجا، به عنوان یک اثر "هنر خیابانی"، آنها یک پنجره را برداشته و یک بالکن چوبی را گسترش دادند. برای درک اینکه این قطعه داربست چه نقشی داشته است، باید بخاطر داشت که انفجار ظاهراً ناشی از برخورد بوئینگ AA11 به برج شمالی بین طبقه نود و دوم و نود و هشتم بوده است. با تنها فیلم از ضربه زده شده بر برج شمالی که مورد سوظن برادران نودت (بلم‌سازان فرانسوی) قرار گرفت که به دلایل زیادی بسیاری از محققان متقاعد شده‌اند که هیچ هواپیمایی به این برج اصابت نکرده است بلکه بخاطر ایجاد اثر ویا نشانی‌های ضربه همسان تصادم هواپیما از قبل در برج مواد انفجاری را جا بجا کرده بودند.

از طبقات یا منازل «نودوسه» تا «صد» برج شمالی توسط ما رش

و مک لنان ، که مدیر عامل آن جفری گرینبرگ ، پسر ثروتمند صهیونیست (و سرمایه گذار مدیر مالی جورج دبلیو بوش) موریس گرینبرگ بود) مالک شرکت Kroll Inc؛ این شرکت (اوکه مالک شرکت کرول انک نیز که مسئول امنیت کل مرکز تجارت جهانی در 11 سپتامبر بود. گرینبرگ ها همچنین بیمه برج های دوقلو بودند و در 24 ژوئیه 2001 ، آنها احتیاط کردند که قرارداد دوباره توسط رقبا بیمه شود. در نوامبر 2000 ، (لوئیس) پل برمر ، رئیس کمیسیون ملی تروریسم ، به هیئت مدیره Marsh & McLennan اخبار یا NBC اصلی در ظاهر می شود تا بن لادن را به عنوان مظنون معرفی کند ، کاملاً آرام است زیرا 400 نفر از کارمندان مفقود شده اند (295 نفر سرانجام مرده اعلام می شود). وی گفت : "این روزی است که زندگی ما را تغییر خواهد داد." "این روزی است که تروریست ها جنگ را علیه ایالات متحده اعلام کردند [ . . . ] و به ایالات متحده آورده شده است." در سال 2003 ، برمر به عنوان مدیر سازمان موقت ائتلاف در عراق منصوب شد تا دولت عراق را زمین گیر و نظارت بر سرقت تقریباً یک تریلیون دلار برای بازسازی آن کند

## . فوق العاده گفتن

ما با گرین برگ و برمر ، به سطح بالایی از توطئه ، متشکل از تعدادی شخصیت با نفوذ یهودی ، که در داخل و خارج از دولت ایالات متحده کار می کنند - به اصطلاح فوق العاده صریح - رسیده ایم. نماینده ترین افراد خارج از دولت لاری سیلور استاین ، کوسه املاک و مستغلات است که به همراه شریک زندگی خود فرانک لووی ، برج های دوقلورا از شهر نیویورک در بهار 2001 اجاره کرد. رئیس اداره بندر نیویورک ، که به سیلور استاین و لوئیز آیزنبرگ ، یکی دیگر از اعضای فدراسیون استیناف یهودیان متحد و نایب رئیس سابق AIPAC بود. به نظر می رسد که سیلور استاین یک معامله فاجعه بار انجام داده است زیرا برج های دوقلو باید برای آزیست ضد عفونی شوند. روند ضد عفونی به دلیل هزینه ای که در سال 1989 تقریباً یک میلیارد دلار

تخمین زده شده بود ، به طور نامحدود به تعویق افتاده بود. در سال (2000) ه . بسیار خوشحال بود. از انتقال مسولت به سولوا ستاین

بلافاصله پس از تملک برج های دوقلو ، سیلوراستا بین برای پوشش حملات تروریستی مجدداً در مورد قرارداد بیمه مذاکره کرد و این پوشش را دو برابر کرد و به 3.5 میلیارد دلار رساند و مطمئن شد که پس از چنین اتفاقی حق بازسازی را نیز حفظ خواهد کرد. پس از حملات ، وی بیمه های خود را برای دریافت خسارت مضاعف به دادگاه برد و ادعا کرد که این دو هواپیما دو حمله جداگانه بوده اند. وی پس از یک نبرد طولانی قانونی ، 4.5 میلیارد دلار به جیب زد. سیلوراستا بین یکی از اعضای برجسته فدراسیون تقاضای یهودی متحدین نیکوکاری نیویورک ، بزرگترین جمع آوری کمک مالی برای اسرائیل است (پس از دولت ایالات متحده ، که سالانه حدود 3 میلیارد دلار کمک به اسرائیل می پردازد) به گفته ها آرتس (21 نوامبر 2001) سیلوراستا بین همچنین "روابط نزدیک با نتانیا هو" را حفظ کرد: "از زمان معرفی نتانیا هو به عنوان سفیر اسرائیل در سازمان ملل ، این دو با یکدیگر روابط دوستانه داشتند. آنها سالها با هم ارتباط نزدیک داشتند. هر یکشنبه بعد از ظهر ، به وقت نیویورک ، نتانیا هو با Silverstein تماس می گرفت. " لری علاوه بر اینکه یک مرد قدرتمند است ، یک انسان خوش شانس است: همانطور که در این مصاحبه توضیح داد ، هر روز صبح هفته ، او در Windows on the World بالای برج شمالی صبحانه می خورد ، اما در ( 11 سپتامبر ) ، با متخصص امراض جلدی یا پوست اش قرار ملاقات داشت

مشارکت کنندگان در حمله پرچم کاذب 11 سپتامبر با اتصالات قوی اسرائیلی نیز باید در انتهای دیگر مسیر هواپیماهایی که گزارش شده اند به برج های دوقلو سقوط کرده اند ردیابی شوند. پروازهای AA11 و UA175 از فرودگاه لوگان در بوستون انجام شد و این امر امنیت خود را با مشاوران بین المللی امنیت هدفمند (ICTS) ، یک شرکت مستقر در اسرائیل و به ریاست **ست مناخ** آتزمون ، خزانه دار **لیکود** ، به پیمان بست. همینطور فرودگاه نیوآرک که گزارش شده پرواز UA93 قبل از سقوط در شانکسویل انجام شد.

مشارکت کنندگان در حمله پرچم کاذب 11 سپتامبر با اتصالات قوی اسرائیلی نیز باید در انتهای دیگر مسیر هواپیماهایی که گزارش شده اند به برج های دوقلوسقوط کرده اند ردیابی شوند. پروازهای AA11 و UA175 از فرودگاه لوگان در بوستون انجام شد و این امر امنیت خود را با مشاوران بین المللی امنیت هد فمند (ICTS) ، یک شرکت مستقر در اسرائیل و به ریاست مناخم آترمون ، خزانه دار لیکود ، به پیمان بست. همینطور فرودگاه نیوآرک که گزارش شده پرواز ( UA93 ) قبل از سقوط در شانکسویل انجام شد.

تحقیقات جدی دنباله مسیره های دیگر مانند پیام های فوری ادیگو دریافت شده توسط کارمندان در WTC دو ساعت قبل از سقوط هواپیما است ، که توسط ها آرتص در 27 سپتامبر 2001 گزارش شد. اولین هواپیما در زمان دقیق اعلام شده به WTC برخورد کرد ، الکس دیاماندیس ، نایب رئیس ادیگو ، دفتر مرکزی در اسرائیل ، اذعان داشت: "تقریباً به دقیقه". همچنین رفتار شاخه آمریکایی Zim Israel Navigational ، غول کشتیرانی دریایی 48٪ متعلق به دولت یهود (که گاهی به عنوان پوششی برای سرویس های مخفی اسرائیل استفاده می شود) ، که دفاتر خود را از WTC به همراه 200 مرکز خود منتقل می کند ، نگران کننده است. کارمندان ، 4 سپتامبر 2001 ، یک هفته قبل از حملات - "مانند یک عمل خدا ، ما حرکت کردیم" ، مدیر عامل شرکت شائول کوهن- مینتس هنگام مصاحبه با USA Today ، 17 نوامبر 2001 ، گفت.

اما البته هیچ یک از این مسیرها هرگز دنبال نشدند. به این دلیل که قدرتمندترین توطئه گران در بالاترین سطح وزارت دادگستری بودند. مایکل چرتوف در سال 2001 رئیس بخش جنایی وزارت دادگستری بود و از جمله بسیاری مسئول تأمین آزادی موران اسرائیلی دستگیر شده قبل و بعد از 11 سپتامبر از جمله "اسرائیلی های رقصنده" بود. در سال 2003 ، این پسر خاخام و پیشگام موساد به عنوان وزیر امنیت داخلی ، مسئول مبارزه با تروریسم در خاک آمریکا منصوب می شود ، که به او اجازه می دهد

شهروندان مخالف را کنترل کند و به بهانه Sensitive ، دسترسی به شواهد را محدود کند. اطلاعات امنیتی.

فیلیپ زلیکوف ، مدیر اجرایی کمیسیون ریاست جمهوری 11 سپتامبر که در نوامبر 2002 تأسیس شد ، رئیس دیگر این پوشش بود. **زلیکوف** یک متخصص خودآرایی در هنر ساختن "افسانه های عمومی" با استفاده از "سیراب" یا "قالب گیری" است. "رویدادهایی [که] اهمیت" متعالی "پیدا می کنند و بنابراین ، قدرت خود را حفظ می کنند حتی با عبورنسل تجربه کننده از صحنه" (ویکی پدیا). در دسامبر 1998 ، وی مقاله ای را تحت عنوان "تروریسم فاجعه بار" برای امور خارجه امضا کرد، که در آن حدس زد که اگر بمب گذاری WTC 1993 (که قبلاً به بن لادن نسبت داده شده بود) با بمب هسته ای انجام می شد چه اتفاقی می افتاد: اقدام تروریستی فاجعه بار که منجر به کشته شدن هزاران یا دهها هزار نفر و یا به هم ریختن ضروریات زندگی صدها هزار نفر، یا حتی میلیون ها نفر می شود ، یک رویداد آبخیز در تاریخ آمریکا خواهد بود. این می تواند منجر به از دست دادن جان و مال بی سابقه برای زمان صلح شود و احساس اساسی امنیت آمریکایی ها را در مرزهای خود تضعیف کند ، به روشی مشابه آزمایش بمب اتمی شوروی 1949 ، یا شاید حتی بدتر از آن. Pe ..... ] مانند پرل هاربر ، این رویداد گذشته و آینده ما را به قبل و بعد تقسیم می کند. ایالات متحده ممکن است با اقدامات سرسام آور مقیاس بخشیدن به آزادی های مدنی ، اجازه نظارت گسترده تر بر شهروندان ، بازداشت مظنونان و استقا ده از زور مرگبار را بدهد. " این کسی است که تحقیقات دولتی را در مورد حملات تروریستی 11 سپتامبر کنترل کرد. **توماس کین ولی همیلتون** ، که به طور رسمی کمیسیون را رهبری می کردند ، در کتاب خود بدون سابقه: داستان داخلی کمیسیون 11 سپتامبر (2006) نشان دادند که این کمیسیون از ابتدا "برای شکست تشکیل شده بود". آنها ادعا می کنند که زلیکوف قبل از جلسه اول خلاصه داستان و نتیجه گیری را برای گزارش نهایی نوشته بود. او همه گروه های کاری را کنترل کرد ، از برقراری ارتباط آنها با یکدیگر جلوگیری کرد و

تنها مأموریت آنها را برای اثبات داستان رسمی به آنها داد به عنوان مثال تیم A1 مأموریت داشت "داستان موفقیت آمیزترین عملیات القاعده - حملات 11 سپتامبر را بازگو کند."

کنترل دقیق رسانه های اصلی شاید ظریف ترین جنبه کل عملیات باشد. ما در آن جنبه عمیق نخواهیم شد ، زیرا همه می دانیم چه انتظاری از MSM داریم. برای استدلال پیشگویی در مورد میزان هماهنگی روانپزشکی 9/11 توسط MSM ، ما مستند Ace Baker's 2012/9/11 The Great American Psy-Opera ، فصلهای 6 ، 7 و 8 را پیشنهاد می کنیم.

## فرا صهیونیست های ماکیاولیایی

اگر به بالاترین سطح توطئه برویم ، خود را در تل آویو می بینیم. آمادگی برای 11 سپتامبر مصادف بود با روی کار آمدن **بنیامین نتانیا هو** در سال 1996 ، به دنبال آن ایهود باراک در ژوئیه 1999 و آریل شارون در مارس 2001 ، که نتانیا هو را به عنوان وزیر امور خارجه در سال 2002 برگرداند (با نخست وزیری **نتانیا هو**) وزیر در سال 2009). لازم به ذکر است که **نتانیا هو** و **ایهود باراک** هر دو در سپتامبر 2001 به طور موقت از دولت اسرائیل خارج شدند ، دقیقاً مانند **بن گوریون** در زمان ترور کندی (مقاله من را در مورد JFK بخوانید). چند ماه قبل از 11 سپتامبر ، باراک ، رئیس سابق اطلاعات نظامی اسرائیل ، "به عنوان مشاور در یک شرکت جبهه موساد ، SCP Partner ، متخصص امنیت" استخدام شد و در کمتر از هفت مایل از سیستم های حرکت شهری قرار داشت. [8] یک ساعت پس از انفجار برج شمالی ، باراک در BBC World بود تا انگشت خود را به **بن**



**لادن** (اولین نفری که این کار را انجام داد) نشان دهد ، و نتیجه گرفت: "زمان شروع جنگ عملیاتی و کامل علیه ترور است." در مورد **نتانیا هو** ، ما تعجب نمی کنیم که او در سال 2006 در CNN مباحثات می کند که در سال 1995 پیش بینی کرده است که "اگر غرب با خودکشی اسلام مبارز بیدار نشود ، مورد بعدی که می بینید مبارزه اسلامی ها است ، که مرکز تجارت جهانی را سرنگون کرده است." **نتانیا هو** نمونه ای از روابط نزدیکتر بین ایالات متحده و اسرائیل است که با ترومن آغاز شد و در دوران جانسون شکوفا شد. **نتانیا هو** از سال 1960 تا 1978 ، بین 11 و 27 سالگی خودبجز دوران خدمت سربازی - و بعد از 33 سالگی ، هنگامی که به عنوان معاون سفیر در واشنگتن منصوب شد و سپس دائمی شد ، در ایالات متحده زندگی ، تحصیل و کار کرده بود. نماینده به سا زمان ملل متحد . **نتانیا هو** در اوایل دهه 1990 به طور منظم در CNN ظاهر می شد و در تبدیل کانال خبری پیشرو در جهان به یک ابزار تبلیغاتی بزرگ صهیونیست ها نقش داشت. سرنوشت سیاسی وی تا حد زیادی در ایالات متحده برنامه ریزی و شکل گرفته بود ، تحت نظارت کسانی که اکنون آنها را نومحافظه کار می نامیم و تنها چیزی که وی را از آنها متمایز می کند این است که به دلایل روابط عمومی ، ملیت آمریکایی ندارد.

**نئوکانون چیست؟** " یک بار پس از بیش از سه سال در کاخ سفید بوش ( 43 ) از پدرش بوش ( 41 ) خواست. " آیا اسم می خواهید یا توصیف؟ " پاسخ 41. " شرح ". 41 گفت: " خوب ، " من آن را در يك کلمه به شما می دهم: اسرائیل. "[9] آن حکایت ، به نقل از اندرو کاکبرن خلاصه آن استجنش نومحافظه کار در تحریبه ماهنامه *Commentary* متولد شد که در سال 1945 به عنوان ارگان مطبوعاتی کمیته یهودیان آمریکا جایگزین *Record Modern Judgment* شد. **گال بکرمن** در

روزنامه یهودی دیوار د فوروارد ، 6 ژانویه 2006 ، نوشت: "اگر در آمریکا جنبش فکری وجود داشته باشد که یهودیان می توانند تنها ادعای آن را داشته باشند ، نومحافظه کاری است." در میان فرزندان مهاجر یهودی متولد شده و اکنون عمدتاً قلمرو فکری نوه های آن مهاجر است."

پدران موسس نومحافظه کاری (**نورمن پودوریتز** ، ابروینگ کریستول ، دونالد کاگان ، پل ولفوویتز ، آدام شولسکی) شاگردان خود خوانده لئو اشتراوس ، مهاجر یهودی آلمانی که در دانشگاه شیکاگو تدریس می کند ، بودند. اشتراوس را می توان یک فرامسیونیست دانست به این معنا که ، در حالی که طرفدار سرسخت دولت اسرائیل بود ، او این ایده را که اسرائیل به عنوان یک ملت باید در مرزها باشد رد کرد. او در اصل در سخنرانی خود در سال 1962 "چرا ما یهودی می مانیم" گفت اسرائیل باید ویژگی خاص خود را که قرار است در همه جا باشد حفظ کند. اشتراوس همچنین لقب ماکیاولیایی را تأیید می کند ، زیرا در اندیشه های خود درباره ماکیاولی ، "بی اعتقادی اندیشه ، عظمت بینایی و ظرافت ظریف گفتارش" را ستود (ص 13). مدل شاهزاده ماکیاولی سزار بورجیا بود ، جباری که پس از منصوب کردن Ramiro d'Orco بی رحمانه به فرمانبرداری استان رومانی ، وی را با بی رحمی کامل اعدام کرد ، و پس از آنکه نفرت خود را به دیگران منتقل کرد ، سپاس مردم را درو کرد. اشتیاوس می نویسد ماکیاولی ، "یک نوع میهن پرست است: وی بیشتر به فکر نجات سرزمین ما دری خود است تا نجات روحش" (ص 10). به گفته متفکران یهودی مانند **هری**

**واتون** ، این دقیقاً همان چیزی است که یهودیت در مورد آن است: "یهودیانی که درک عمیق تری از یهودیت دارند ، می دانند که تنها جاودانگی یهودی ، جاودانگی در مردم یهود است" (بیشتر اینجا بخوانید) در حقیقت ، در گزارش جهان یهودیان در 7 ژوئن 1999 ، **مایکل**

**لدین** ، عضو تازه وارد و بنیانگذار موسسه یهودی امور امنیت ملی (JINSA) ، تصور کرد که ماکیاولی باید "یهودی مخفی" باشد ، از آن زمان "اگر به فلسفه سیاسی او گوش دهید ، موسیقی یهودی را خواهید شنید

**ادامه دارد**

**قسمت سوم**

**پروژه برای قرن جدید ((آمریکایی))**